

فرا تر از معلمی



مریم شهرآبادی
کارشناس آموزش ابتدایی

■ چه تعریفی از معلمی دارید؟

معلم قهرمان هر جامعه و سازنده‌ی نسل‌های آینده‌ی هر کشور است. معلمی یکی از سخت‌ترین شغل‌هاست که مسئولیت آموزش و پرورش کودکان را به عهده دارد و همین ویژگی است که کار را سخت و مسئولیتش را بیشتر می‌کند. چرا که معلمی فرا تر از آموزش کتاب‌های درسی است. یک معلم با روح و فکر و ذهن انسان‌ها در ارتباط است.

■ ارتباط شما با دانش‌آموزان چگونه است؟

یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت برای یک معلم ایجاد رابطه‌ای عاطفی و محبت‌آمیز و در مرحله بعد ایجاد محیطی امن برای دانش‌آموزان است تا به معلم خود حس اعتماد پیدا کنند. این مورد برای دانش‌آموزان پایه‌ی اول ابتدایی خیلی مهم‌تر است؛ چون هم برای چند ساعتی از خانواده به خصوص مادر دورند و هم خیلی از دانش‌آموزان پایه‌ی اول تجربه‌ی رفتن به مهد کودک یا پیش‌دبستانی را نداشته‌اند. معلم باید این رابطه را بین خود و دانش‌آموزانش ایجاد کند. برای ایجاد این ارتباط باید به دنیای کودک آن‌ها وارد شد. مثلاً برای آن‌ها داستان بگوید یا از عروسک‌ها، همراه با تقلید صدا، در امر تدریس استفاده کند؛ چون این امر برایشان لذت‌بخش است.

■ برای تدریس بهتر و علاقه‌مند کردن دانش‌آموزان به درس از چه شیوه‌هایی استفاده می‌کنید؟

برای تدریس، بهتر است ایجاد انگیزه کنیم و از روش‌های غیر مستقیم برای آموزش بهره ببریم. ایجاد انگیزه می‌تواند یک سؤال، یک چالش، یک مسئله، یک کار دستی یا یک فعالیت مرتبط با موضوع در فضای دیگری غیر از کلاس درس باشد. مثلاً یک روز برای تدریس نشانه‌ی «ض» دستم را با یک پارچه بسته بودم و نمایش یک مریض را اجرا کردم. وقتی وارد کلاس شدم برای همه‌ی دانش‌آموزانم سؤال شده بود که چرا دستم را بسته‌ام و همه با دقت به من توجه می‌کردند.

دنیای کودکان دنیای بازی است. دانش‌آموزان عاشق هیجان و تنوع‌اند. من همیشه سعی می‌کنم تا تمرینات کلاسی خود را به صورت بازی انجام دهم تا هم برای دانش‌آموز لذت‌بخش باشد و هم تنوعی در فضای یکنواخت کلاس ایجاد شود. هر بار که از بازی برای تمرین و تدریس استفاده کرده‌ام، دانش‌آموزان با شوق و توجه

آموزگار فعالی که در فضای مجازی برای برخی آموزش‌هایش از مجلات رشد استفاده می‌کند، توجهم را جلب کرد. به فعالیت‌ها و تولید محتوای آموزشی ایشان بیشتر دقت کردم. به نظرم آموزگاری صبور و دقیق آمد. چندین بار سعی کردم برای چالش‌های مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی از نظرات خوبشان استفاده کنم. خانم مریم سهرابی متولد ۱۳۵۷ در استان البرز است که تحصیلات ابتدایی و تکمیلی‌شان را در همین استان گذرانده‌اند. ایشان بعد از دیپلم ازدواج کردند. علاقه‌ی وافر ایشان به آموزگاری که از کودکی همراهشان بوده است، باعث می‌شود، با وجود فرازونشیب‌های زیاد زندگی، شغل معلمی در دوره‌ی ابتدایی را مناسب بدانند و در دانشگاه فرهنگیان امیرکبیر استان البرز، رشته‌ی آموزش ابتدایی ادامه تحصیل دهند. وی هم‌زمان با این دوره، تجربه‌ی مادر شدن را هم داشته است و به‌گفته‌ی ایشان این کار مسئولیتشان را سنگین‌تر کرده است. همچنین در سال ۱۳۹۹ در جشنواره‌ی «زیست‌بوم» به‌عنوان معلم نمونه در این استان معرفی شدند. اکنون دو سال است که آموزگار پایه‌ی اول ابتدایی‌اند. در ادامه، گفت‌وگوی ما با ایشان از نظر تان می‌گذرد.





نمونه‌ای از محتوای تولید شده



بیشتری از کلاس استقبال کرده‌اند. همین شوق و هیجان و لذت میزان یادگیری آن‌ها را چند برابر می‌کند. در کنار بازی، از دست‌ورزی برای تدریس استفاده می‌کنم؛ مثلاً برای درک مفهوم اندازه‌گیری از دانش‌آموزان می‌خواهم مداد خود را به صورت تقریبی با گیره اندازه بگیرند و بگویند طول مداد آن‌ها چند گیره می‌شود. اگر دانش‌آموز با یک مبحث درسی درگیر باشد و به صورت عملی یک مفهوم را کار کند، یادگیری بهتر و ماندگارتر می‌شود. همچنین همیشه سعی کرده‌ام تا از خودشان در تدریس کمک بگیرم و متکلم و حده‌نباشم و یادگیر کردن آن‌ها کلاسی شاد داشته باشم. کلاسی می‌تواند اثر بخش باشد که دانش‌آموزانش در فعالیت‌های آن کلاس مشارکت داشته باشند.

■ چطور از دانش‌آموزانتان برای تدریس کمک می‌گیرید؟

مثلاً برای مبحث اعداد، چهار دانش‌آموز را انتخاب می‌کنم. به سه نفر از آن‌ها یک دسته‌ی ده تایی می‌دهم و به یک نفر دیگر دو تایک عددی می‌دهم. بعد از بچه‌هایی پرسیم: «خب، حالا چه عددی به دست می‌آید؟» می‌گویند: «سی و دو.» یا برای مفهوم الگوها مثلاً یکی ایستاده و دو نفر نشسته، مجدد یکی ایستاده، دو نفر نشسته، به همین ترتیب الگورابا بچه‌ها تکمیل می‌کنیم.

■ آیا با طرح ارزشیابی کیفی و توصیفی موافق هستید؟ شما دانش‌آموزانتان را چگونه ارزشیابی می‌کنید؟

این طرح مزایا و معایبی دارد. مزایایش این است که دانش‌آموز متحمل فشار روانی برای نمره نمی‌شود. هر دانش‌آموز با توجه به فعالیت و تلاشی که در طول سال تحصیلی داشته است، مقایسه می‌شود؛ اما از معایب این طرح نبود دستورالعمل مشخصی است که اهداف و نحوه‌ی کار برای آموزگار و اولیای مشخص کند. در ضمن دانش‌آموزان بعد از ورود به دوره‌ی متوسطه یک‌باره با ارزشیابی کمی روبرو می‌شوند که آن‌ها را دچار افت تحصیلی می‌کند؛ اما به طور کلی با این طرح موافق هستم.

هر دانش‌آموز با توجه به تکالیف، پرسش‌های کلاسی، کارهای عملی و پروژه‌ها ارزیابی می‌شود. در واقع هدف از ارزشیابی توصیفی این است که دانش‌آموزان را با هم مقایسه نکنیم. دانش‌آموزی که با تلاش پیشرفت کرده است هم باید مورد تشویق قرار بگیرد؛ حتی اگر به سطح خیلی خوب نرسیده باشد.

■ به غیر از تدریس، فعالیت دیگری در آموزش و پرورش یا در زمینه‌های دیگر دارید؟

در تابستان ۱۴۰۰ برای تولید محتوای کمک آموزشی درس فارسی و ریاضی استان البرز انتخاب شدم. در تابستان ۱۴۰۱ هم وب‌آهایی (پادکست‌هایی) برای تقویت مهارت خواندن با عنوان «مدرسه‌ی تابستانه» تولید کردیم. در کنار این‌ها دوره‌ی مربیگری پیش‌دستانی را به صورت حضوری و مجازی برگزار کردم. بیشتر فعالیت‌هایم در زمینه‌ی کار و حرفه‌آم یعنی معلمی است.

■ فعالیت شما در فضای مجازی چگونه و از چه زمانی شروع شد؟

فعالیت مجازی من از همان سال اول تدریس و هم‌زمان با شیوع و پروس کرنا شروع شد، دقیقاً سه ماه بعد از آغاز سال تحصیلی. دوست داشتم تجربه‌های خود را با دیگر همکاران و اولیایی که دانش‌آموزان کلاس اول ابتدایی دارند به اشتراک بگذارم و علاوه بر پیشرفت خودم از نظرات و پیشنهادها‌ی دیگر همکارانم و اولیای دانش‌آموزان کشورم استفاده کنم. از همین رو بیشتر فعالیت‌هایم را به نام «دست‌ورزی اول ابتدایی» ساختم و اکنون دو سال است که در این حیطه فعالیت می‌کنم.

■ خاطره‌ای از دوران تدریس خودتان دارید؟

مدرسه‌ی ما در دو نوبت و به صورت چرخشی است. من همیشه نوبت بعد از ظهر، در رنگ تفریح به نمازخانه می‌روم تا نماز بخوانم؛ چون زمان رنگ تفریح خیلی کوتاه است، شاید دوسه دقیقه‌ای دیرتر به کلاس بروم و همیشه از دانش‌آموزانم عذرخواهی می‌کنم. یک روز یکی از دانش‌آموزانم

به نام محنا پرسید: «خانم، نمازخانه می‌روید؟» گفتم: «بله؛ اما قبل از رفتن باید وضو بگیرم.» محنا گفت: «خانم، می‌شود من هم با شما به نمازخانه بیایم؟» گفتم: «اگر دوست داری، چرا که نه!» بعد از وضو به کلاس رفتم تا با او به نمازخانه برویم؛ اما وقتی وارد کلاس شدم او نبود. فکر کردم حتماً به حیاط مدرسه رفته است. من هم به نمازخانه رفتم و دیدم که محنا همراه با پنج دانش‌آموز دیگر جلوی در نمازخانه ایستاده‌اند. برای خودم خیلی جالب و غیرمنتظره بود که دوستانش را هم به این کار دعوت کرده است. وارد نمازخانه شدیم و نماز خواندیم. بعد از نماز از آن‌ها خواستم هر کدام یک دعا بگویند تا با هم آمین بگوییم. در ضمن من می‌دانستم آن‌ها وضو ندارند و به همین خاطر بعد از اتمام دعا به آن‌ها گفتم که برای نماز باید وضو هم داشته باشیم. البته آموزش وضو را قبلاً در کلاس داشتیم. با هم به کلاس رفتیم و به هر کدام یک برچسب دادم که برای این کار تشویق شوند و بعد از آن هر هفته‌ای که بعد از ظهری می‌شدیم، دانش‌آموزانم می‌گفتند: «خانم، می‌روید نمازخانه؟» به این دلیل این خاطره را تعریف کردم که تأکید کنم رفتار و منش یک معلم در رفتار دانش‌آموزانش مهم و تأثیرگذار است.

■ برای آینده چه برنامه‌ای دارید؟

من همواره خودم را دانش‌جوی دانم و دوست دارم در حرفه‌ی معلمی اطلاعات و مهارت‌های خودم را افزایش دهم و پیوسته در حال یادگیری هستم و از آموزش دیدن و آموزش دادن لذت می‌برم. در نظر دارم به یاری خدا در زمینه‌ی کتاب‌های کمک آموزشی که مبتنی بر بازی و خلاقیت است، فعالیت کنم.